

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ جولای ۲۰۲۱

آغاز تصفیه و جنگ قومی در شمال!؟

(۵)

سه شنبه ۱۵ سرطان ۱۴۰۰ - کابل:

۱۰- در چنین فضاء و با چنان سابقه ایست که می شنویم و می خوانیم که باز هم قسمت هائی از ولایت قندوز و شهر قندوز دست به دست شده، نیروهای امنیتی دولت دست نشاندۀ بسیار آگاهانه و عامدانه* بخش هائی از آن ولایت و سایر ولایات شمال را ترک نموده، در اختیار طالبان قرار دادند، تا آنها نیز با کین توزی غیر قابل تصویری و چون گرگهای گرسنه به جان باشندگان محل در کل، به خصوص متعلقان اقوام دیگر افتاده، بیرون راندن و آواره ساختن آنها را در دستور کار قرار دهند و آنهایی را که نمی توانند و یا نمی خواهند از خانه و کاشانه شان دل بکنند، نیز نیست و نابود نمایند.

هموطنان گرامی!

تخم کین و نفرتی که با بیش از ۱۰۰ سال سابقه در آن مناطق کاشته شده و با کاهش و افزایش هائی همراه بوده و به وسیله نوکران اجانب در وجود باند های خلق و پرچم، جهادیت ها به خصوص باندهای مربوط به "گلبدین" و "ربانی- مسعود" و طالب دامن زده شده و توسط جواسیس تکنوکرات وابسته به امپریالیسم امریکا به اوج آن رسیده است، یکی از معضلاتیست که نه تنها در قندوز، بلکه در اکثر ولایات سمت شمال کشور در ابعاد مختلف وجود داشته و می تواند به مثابه زخم ناسور هر زمان دهان باز کرده کشور ما را به طرف تجزیه و نابودی سوق دهد.

هموطنان گرامی!

تجربه تاریخی اواخر قرن بیست در یوگوسلاویا و تجارب زنده کنونی در کشور های عربی به خصوص سوریه و عراق به صورت روشن و واضح نشان می دهد که تجزیه و تقطیع کشور های مورد نظر، یکی از اهداف ستراتیژیک کشور های امپریالیستی و درکل سیستم امپریالیسم است. آنها به تجربه دریافته اند که از طریق تجزیه و تقطیع کشور های مورد نظر و آنها را به واحد های اداری "شبه مستقل" منقسم ساختن، می توانند آنها را بسادگی کنترل نموده، دارو ندار شان را به غارت ببرند، به همین سان نوکران زر خرید بومی آنها چه ملبس به لباس شونیسیم عظمت طلبانه باشند و چه هم ملبس به لباس ناسیونالیسم تنگنظرانه و یا راسیسم، نیز آگاهانه و در بهترین صورت، چیزی به جز جاده صاف کن قدرت های استعماری نیستند و با هر گامی که بر می دارند، آنها نیز کشور

را به طرف نابودی سوق می دهند؛ بناءً به جرأت می توان نوشت جهت ختم این غایله و حل این تضاد ها نه امپریالیسم و نوکرانش و نه هم ارتجاع مذهبی چیزی ندارند تا به وسیله آن بتوانند، جلو پیشرفت و بقای این تضاد را گرفته جهت حل معقول و منطقی آنها گامی بردارند. یعنی دورباطل قدرت گیری یکی و انتقام گیری از دیگری باز هم ادامه خواهد یافت، تا سرانجام کشور به تباهی کشانیده شده، به مانند روز های تاریک و دهشتناک حاکمیت جهادی ها در شهر کابل که می بایست حین گذشتن از پل باغ عمومی از اینطرف دریای کابل به آن طرفش، خط راهداری به همراه می داشتیم، ولایت ها و شهر های کشور همه بدان سرنوشت دچار خواهند شد.

هموطنان گرامی!

هرگاه می خواهید بر این دور باطل نقطه پایان بگذارید یگانه راه آن بر مبنای تجارب تاریخی در سایر کشور ها، ایجاد کمیته های دفاع از خود از محله و گذر گرفته تا شهر و ولایت، بدون درنظرداشت هویت و تعلق قومی، بلکه به اساس و بر مبنای موضعگیری طبقاتی و ملی است.

هموطنان گرامی!

ما افغانستان را فقط در صورتی از این وضع نجات داده می توانیم، که دهقانان تمام اقوام اعم از پشتون، تاجیک، ازبیک، هزاره و ... بر مبنای پیوند طبقاتی شان با کارگران اقوام مختلف جهت حفظ منافع طبقاتی و ملی شان جمع شده، به جای این که سایر اقوام را دشمن خود بدانند، طبقه حاکمه قوم خودش اعم از سرمایه دار و فئودال را دشمن دانسته، جهت سرکوب قهری آنها بسیج بگردند.

هموطنان گرامی!

در مقطع تاریخی و وضعیت سیاسی که ما قرار داریم ایجاد کمیته های دفاع از خود و در نهایت ارتش توده ئی و به همین سان جبهه متحد ملی و حزب کمونیست به مثابه گردان رهبری کننده آنها، دیگر آرمان گرایی روشنفکرانه نیست، بلکه ضرورت و نیاز زمان و عامل بقای کشور است. یعنی عشق به بقای افغانستان و رفاه مردم آن به ایجاد این سه سلاح گره خورده است، یعنی یا این سه سلاح را به وجود می آوریم و یا هم فاتحه کشوری به نام افغانستان را خواهیم خواند. که چنین مباد!

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!

* - در مورد حامدانه رها کردن ولسوالی ها و بر مبنای برنامه ای از قبل مدون، در یکی از یادداشت های آینده بحث خواهم نمود.

ع.ق.